

# Indicators of the Officials and Supervision over them from the View of the Imams(AS)<sup>1</sup>

Seyed Mohammad Al-Hoseyni<sup>1</sup>, Seyed Asghar Mahmoodabadi<sup>2</sup>, Keyvan Loloie<sup>3</sup>

1. PhD. Student of History, Mahalat Branch, Islamic Azad University, Mahalat, Iran. [alhouseyni1351@gmail.com](mailto:alhouseyni1351@gmail.com)

2. Professor, Department of History, Mahalat Branch, Islamic Azad University, Mahalat, Iran (**Corresponding author**). [mahmoodabadi@ltr.ui.ac.ir](mailto:mahmoodabadi@ltr.ui.ac.ir)

3. Assistant Professor, Department of History, Mahalat Branch, Islamic Azad University, Mahalat, Iran. K. [loloie@gmail.com](mailto:loloie@gmail.com)

## Abstract

The purpose of the present study is to review indicators of the Imams' supervision over the officials' behavior. The research question of this study considers the content of these indicators. It means, from the view of Imams (AS), which indicators a favorable official should have for the advocacy on the behalf of an Imam. The method of study is descriptive-analytic and analysis of the most important components considered by the Imams (AS) about the officials showed that the delegates of the Shi'ite Imams ought to have special features such as justice and resoluteness, fair and just behavior with people, confidentiality, religious awareness that leads to better performance in the light of insight and understanding, submissiveness that is commitment to the rules in accordance with religion and social expediency and regulations, accuracy and order that is essential for accepting great and important responsibility of the delegates and officials assigned by the Imams (AS). An analysis of the political behavior of Shi'ite Imams shows that appointing the officials has been based on their qualification and having features that were mostly related to righteous people otherwise they would not be assigned in the group of officials. Therefore, appointment of officials from the view of the Imams (AS) is based on merit and decency and it has nothing to do with any special tribe, wealth, social power, family relation and so on.

**Keywords:** Seerah of the Imams (AS), Advocators, Shi'ite Community, Order, Submissiveness, Religious Awareness, Confidentiality, Justice.

---

1. **Received:** 2020/12/13 ; **Revised:** 2021/11/18 ; **Accepted:** 2021/12/21

© the authors

<http://sm.psas.ir>

**Publisher:** Political Studies Association of the Seminary

## شاخص‌های کارگزاران و نظارت بر آن از منظر ائمه(ع)<sup>۱</sup>

سید محمد الحسینی<sup>۱</sup>، سید اصغر محمودآبادی<sup>۲</sup>، کیوان لؤلویی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. alhoseyni 1351@gmail.com  
۲. استاد، گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران (نویسنده مسئول). mahmoodabadi@ltr.ui.ac.ir  
۳. استادیار، گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. K.loioie@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی شاخص‌های نظارت امامان در رفتار کارگزاران می‌باشد. پرسش مطرح شده در این پژوهش ناظر به چیستی این شاخص‌ها است. یعنی از منظر ائمه معصومین(ع)، یک کارگزار مطلوب ایشان، باید دارای چه شاخص‌هایی برای وکالت و کارگزاری از سوی امام باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و بررسی مهم‌ترین شاخص‌های مورد توجه ائمه(ع) درباره کارگزاران نشان داد که کارگزاران امامان شیعه می‌بایست شاخص‌های خاص مد نظر ائمه(ع) را می‌داشتند، شامل: شاخص عدالت‌ورزی و وثاقت کارگزار، یعنی برخورد انصاف‌گونه و توأم با عدالت با مردم، شاخص رازداری، شاخص آگاهی دینی که موجب انجام بهتر کارها در سایه بصیرت و فهم خواهد بود، شاخص اطاعت‌پذیری که در حقیقت پایبندی به قوانینی است که مطابق با شریعت و صلاح و مقررات اجتماعی است. شاخص دیگر، شاخص دقت و نظم است که از ویژگی‌های لازم جهت پذیرش مسئولیت عظیم و مهم نمایندگان و کارگزاران ائمه(ع) می‌باشد. بررسی رفتار سیاسی امامان شیعه نشان می‌دهد که نصب کارگزاران براساس شایستگی و حائز بودن شاخص‌هایی بوده که عموماً از ویژگی‌های انسان‌های صالح است. در غیر این صورت در جرگه کارگزاران قرار نمی‌گرفتند. بنابراین، انتصاب کارگزار از نگاه ائمه(ع) براساس لیاقت و شایستگی است و انتساب به یک قوم خاص، ثروت، قدرت اجتماعی، نسبت فامیلی و... تأثیری بر انتصاب کارگزاران نداشته است.

**واژه‌های کلیدی:** سیره ائمه(ع)، کارگزاران، وکلا، جامعه شیعیان، نظم، اطاعت‌پذیری، آگاهی دینی، رازداری، عدالت.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری، سید محمد الحسینی، بررسی و تحلیل جایگاه نظارت در سیره پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) (با تأکید بر مجموعه مدیران، کارگزاران و وکلای خویش)، استاد راهنما: سید اصغر محمودآبادی، دانشکده علوم انسانی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹، است.

الحسینی، سید محمد؛ محمودآبادی، سید اصغر؛ لؤلویی، کیوان (۱۴۰۱). شاخص‌های کارگزاران و نظارت بر آن از منظر ائمه(ع). *سیاست متعالیه*.

DOI: 10.22034/sm.2021.141962.1638. ۱۱۹-۱۳۶. ص ۳۶-۱۱۰

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

## ۱. مقدمه

اهمیت و توجه به شاخص‌های خاص در نصب کارگزاران و کنترل و نظارت در ابعاد مختلف، از جمله کارگزاران حکومتی و وکلا و نمایندگان در سیره پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) از اصول ثابت رفتاری در حوزه سیاسی- اجتماعی ایشان است. بر این اساس پیامبر اکرم(ص) بر اساس همین شاخص‌ها بر امیران و فرماندهان (حمیری، ۱۴۱۳ق: ص ۳۴۲) و حتی بازار و بازرگانان نظارت داشته است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۱۶۱). چنین رویه‌ای را امیرمومنان در دوران حکومت خویش داشته که در جریان نگارش نامه قهرآمیزش به عثمان بن حنیف بیان شده است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۴۱۶). همچنین به کارگیری بازرسین خُبره برای ارائه واقعی گزارشات، از توصیه‌های مهم ایشان به مالک اشتر است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۴۲۷). در روایات دیگری امام رضا(ع) بر اعمال اطرافیان با توجه به شاخص‌هایی که بیان خواهد شد، نظارت داشت و اشتباهات آنها را گوشزد می‌کرد. در روایتی آمده است که امام رضا(ع)، شخصی به نام محمد بن فرات را به خاطر از بین رفتن شاخص‌ها از خود طرد کرده است (کسّی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۵۵). همچنین امام هادی(ع) هم در زمان امامت خویش نسبت به انحراف واکنش شدید نشان داده و برخورد می‌کرد که از جمله آن برخورد با علی بن حَسَکه قمی بود (همان: ص ۵۱۸).

پیشوایان دینی به شدت مراقب به انحراف کشیده شدن کارگزاران خود بودند. ایشان با واقع‌نگری دقیق می‌دانستند چنانچه رهبری در مقابل انحراف کوتاه بیاید، جامعه به تباهی خواهد رفت. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که کارگزاران و نمایندگان پیشوایان دینی باید چه ویژگی‌هایی می‌داشتند تا رضایت امام را فراهم آورد؟ به بیان دیگر امام(ع) چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی از کارگزار خویش انتظار داشتند؟ در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با بررسی دقیق روایات و گزارشات تاریخی در سیره ائمه(ع) در انتصاب و مواجهه با کارگزاران، معیارهای رفتاری، اخلاقی و مدیریتی که مورد توجه امام(ع) بوده است یا توصیه‌هایی که به آنها می‌کرده‌اند و یا نامه‌هایی که به کارگزاران نگاشته‌اند را استخراج کرده و آن را به عنوان یک مقوله مستقل و مورد توجه قرار داده و بدین ترتیب شاخص‌های مطلوب و مورد توجه یک کارگزار خوب را از منظر ایشان استخراج نماید.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره ویژگی‌های کارگزاران در اسلام کتب و مقالات متعددی به نگارش درآمده است. در این رابطه

می‌توان سوابق پژوهشی مرتبط با موضوع فوق را به چهار دسته تقسیم کرد: دسته اول به اصول اخلاقی و تربیتی اشاره دارد که منحصر به زمان حکومت مدیریت امام علی (ع) است که می‌توان به «اصول اخلاقی مدیریت با تکیه بر گفتار امام علی (ع) در نهج البلاغه، اثر رحمانی پاکدل اشاره نمود.

دسته دوم مرتبط با اصول نظارت و برخورد با کارگزاران است، مانند «نظارت بر اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی در قرآن و نهج البلاغه»، اثر فلاح‌زاده، «سیستم نظارت بر مدیران در مدیریت علوی با تأکید بر نهج البلاغه»، اثر جهانگیری و «نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی»، اثر علی اصغر الهامی‌نیا. دسته سوم مربوط به اصول عزل و نصب کارگزاران است، از جمله می‌توان به «مبانی و اصول عزل و نصب کارگزاران با رویکرد اندیشه سیاسی امام علی (ع) در نهج البلاغه»، اثر دلشاد تهرانی، «نظام عزل و نصب کارگزاران براساس اندیشه و سیره امام علی (ع) در نهج البلاغه»، اثر باقری چمازی و پژوهشی با عنوان ویژگی‌های کارگزاران حکومتی در دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) اشاره کرد.

دسته چهارم نیز به سیره حکومتی امیرمومنان (ع) اختصاص دارد که می‌توان به پژوهش «نگاهی به سیره حکومتی امام علی (ع)» اثر زهرا زارعی، «ملاک‌های گزینش کارگزاران در حکومت علوی (ع)» اثر محمد رحمانی که صرفاً گزینشی از سخنان امام علی (ع) از نهج البلاغه است، اشاره نمود.

هرچند که پژوهش‌های فوق، گاهی نیز شاخص‌هایی را به شکل مختصر بازگو می‌کنند، اما پژوهش حاضر بر شاخص‌هایی متمرکز است که از منظر ائمه (ع) برای کارگزاران مورد توجه قرار می‌گیرد. امتیاز دیگر پژوهش پیش‌رو این است که به شاخص‌هایی می‌پردازد که مورد توجه همه ائمه (ع) می‌باشد. این در حالی است که پژوهش‌های فوق‌الذکر فقط به مقطع زمانی حکومت امیرمومنان (ع) پرداخته‌اند.

### ۳. مفهوم‌شناسی

#### ۳-۱. شاخص

برای تمایز موقعیت یک پدیده از دیگر پدیده‌ها می‌بایست شاخص‌ها و وجه امتیاز آن پدیده را مشخص کرد. پس، شاخص عبارت است از سازوکار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده که آن را از پدیده‌های دیگر متمایز کند (عسگری‌نیا و لطفی جم، ۱۳۹۰: ص ۲۵) و بتواند قابلیت بررسی، تحلیل و توصیف را داشته باشد. با مشخص شدن شاخص هر پدیده‌ای می‌توان آن را مشاهده و حتی اندازه‌گیری کرد. فرایند

شناخت شاخص‌ها در این پژوهش به این شکل است که در نظارت، عزل و نصب کارگزاران در رفتار و گفتار ائمه(ع) بررسی می‌شود که کدام ویژگی، کارگزار مورد اعتماد امام(ع) را از دیگران متمایز کرده است.

### ۲-۳. نظارت

«نظارت» واژه‌ای عربی و از ماده «نظر» است. در عربی وقتی گفته می‌شود «نَظَرْتُ»، یعنی «فی الأَمْرِ تَدَبَّرْتُ» (فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۶۱۲)، در فارسی نیز به همین صورت بیان می‌شود، یعنی نظارت به معنای نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن و دیدبانی کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۸۲). عمل نظارت به واسطه ناظر انجام می‌شود و ناظر فردی است که بر کار دیگری «نظارت» می‌کند تا کار او به شکل صحیح انجام پذیرد. برخی نیز نظارت و ناظر را چنین تعریف می‌کنند: نظارت عبارت است از بازرسی، سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان، و ناظر کسی است که به منظور چنین بازرسی، ارزیابی و سنجشی تعیین می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ص ۱۵).

### ۳-۳. کارگزار

هرچند کارگزار در لغت به معانی متعددی از جمله پیشکار، عامل، مأمور، مباشر، متولی، ناظر و وکیل (دهخدا، ۱۳۸۲) آمده است، اما به نظر می‌رسد همه آنها به یک مفهوم بازگشت دارد. این واژه پُر بسامد به عوامل حکومتی اطلاق می‌شود که در تمام سطوح، اوامر مافوق خود را در چارچوب حاکمیت انجام می‌دهند. اما واژه کارگزار در سطوح خرد جامعه نیز کاربرد دارد. از این منظر کارگزار و یا عامل کسی است که در سطوح مختلف جامعه، از طرف شخصی مسئولیتی بر عهده می‌گیرد و از سوی او مباشرت به انجام کارهای، تجاری، کشاورزی، خدماتی و یا صنعتی کرده و یا برای اداره و حفظ اموال و دیگر امور به کار گرفته می‌شود. کارگزاران نیز بر اساس مسئولیت خویش و به نمایندگی از شخصی که به او مسئولیت داده، افراد دیگر را به کار می‌گمارند و امور کاری را پیش می‌رانند. بر این اساس عامل به کسی گفته می‌شود که امور شخص را در مال، ملک و کار او به عهده گیرد و متولی آن باشد. از این رو به مسئول دریافت زکات عامل گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۱، ص ۴۷۵). همان‌گونه که در قرآن کریم هم به جمع‌کنندگان و مسئول دریافت زکات، عامل گفته می‌شود (توبه، ۶۰). با تعریفی که از کارگزار ارائه شد، درمی‌یابیم که در گذشته، به مأموری گفته شده که از سوی حاکم مسئولیتی در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی بر دوش داشته است که شامل استانداران، فرمانداران، نمایندگان آن‌ها، گردآورندگان زکات و خراج و همچنین دیگر نمایندگان حاکم می‌باشد.

#### ۴. اهمیت شاخص‌بندی کارگزاران در سیره ائمه (ع)

وصایت رسول خدا(ص)، بیان و اقامه دین توسط ائمه(ع)، حرکت ایشان را در مسیر رضایت الهی و اجرای فرامین خداوند قرار داده و در این راه دقت و همت زائد الوصفی داشته‌اند. از نظر ایشان حکومت، ودیعه الهی است و امانتی نزد کارگزار است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۳۶۶). ائمه(ع) به جهت چنین نگاه بلند توحیدی است که در انتخاب کارگزاران، دقت بسیاری مبذول داشته و همواره از اینکه افراد ناشایست بر مصدر امور قرار گیرند، نگران بودند. امام علی(ع) در نامه خویش به مالک اشتر این نگرانی را چنین بازتاب می‌دهد: «همانا من بیم دارم که نابخردان و بدکاران زمام امور مملکت را به دست گیرند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۴۵۱). از این رو هرگاه ائمه(ع) به فراخور وضعیت سیاسی و اجتماعی زمان خود امور جامعه و یا حکومت را بر عهده می‌گرفتند، کارگزاران نالایق را عزل، و به انتصاب افراد لایق و شایسته اقدام نمودند.

به دلیل چنین اهمیتی امامان(ع) به صورت پیوسته راهبرد کنترل و نظارت بر کارکردها و رفتار مسئولان را داشته‌اند تا آنها را متوجه وظایف‌شان کنند و از تعدی و سرپیچی بازدارند که از جمله آن، کنترل دارائی و اموال کارگزاران است تا جایگاه سیاسی، اجتماعی و دینی بر زندگی فردی و معیشتی آنها تأثیر نامطلوبی نداشته باشد. در یک نمونه امیر مومنان(ع)، بر خوردی قاطعانه با یکی از کارگزارانش به نام حارث همدانی دارد: «به من خبر رسید که محصولات زمین را برده و آنچه زیر دو پایت بوده برگرفته و هرچه از بیت‌المال در اختیار داشتی، خورده‌ای. حسابت را بلافاصله پیش من بفرست» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۴۱۲). ایشان در مورد دیگری به یکی از یارانش به نام عثمان بن حنیف که از اصحاب پیامبر(ص) بوده و در جنگ‌های بسیاری کنار حضرت علی(ع) جنگیده بود، نامه قهرآمیزی را می‌نگارد و او را به خاطر مجالست با اغنیاء و بی‌توجهی به آداب کارگزاری مذمت می‌کند (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۴۱۷).

اهمیت شاخص‌های شایسته در کارگزاران و نظارت بر آن، محدود به شیوه و روش حکومتی امام علی(ع) نیست، زیرا در زمامداری امام حسن(ع) نیز نظارت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ایشان به طور مشخص افرادی برای این کار می‌گمارد تا جایی که امام حسن(ع) بعد از آنکه مردم با ایشان بیعت کردند، بلافاصله کارگزاران خود را تعیین فرمود و فرمانداران را تعیین کرد، از آن جمله عبدالله بن عباس را به طرف بصره فرستاد تا در امور نظارت داشته باشد (مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۳۵۰).

در شبکه کارگزاران، همواره افراد مورد اعتماد و اطمینان و برجسته به خدمت گرفته می‌شدند و بدون احراز صلاحیت فرد به عنوان نماینده و یا وکیل معرفی نمی‌شدند، اما برخی از وکلا تحت تأثیر هوای نفس

و القانات شیطان و فریبندگی دنیا، رسالت اصلی خویش را که خدمت به ائمه(ع) و یاری ایشان در معارف شیعه را فراموش می‌کردند و لغزش‌های اخلاقی، مالی و حتی اعتقادی از سوی این افراد سر می‌زد که با برخورد شدید ائمه(ع) مواجه می‌شد (کشی، ۱۴۰۹ق: ص ۶۰۶). افزون بر فعالیت‌های عمده، عملکرد جزئی کارگزاران نیز مورد نظارت امامان(ع) بوده که آن را هم گوشزد می‌کردند. در این زمینه می‌توان به جریان «محمد بن شاذان بن نعیم» اشاره کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۲۵) که حاکی از آن است که کوچک‌ترین اقدام کارگزاران نیز از دید رهبر سازمان پنهان نبود.

امامان(ع) بر اجتناب از اکل حرام نسبت به وکلایشان تأکید می‌کردند. این امر از آن جهت بود که وثاقت مالی، یکی از مهم‌ترین و اولی‌ترین شرایط وکالت امام معصوم(ع) بود. از این رو نسبت به خیانت‌های مالی وکلا سخت‌گیری اعمال می‌شد. نمونه‌هایی را می‌توان در برخورد امام صادق(ع) با یکی از وکلایش و برخورد امام جواد(ع) با یکی از کارگزارانش به نام «محمد بن صالح بن سهل همدانی»، اشاره کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۴۸). گزارش دیگری نیز از برخورد امام هادی(ع) با «فارس بن حاتم قزوینی» که از غلات بود و میان شیعیان شکاف ایجاد کرده بود، وارد شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۲۲). همچنین گزارش برخورد امام عسکری(ع) با «عروة بن یحیی دهقان» نیز شایان ذکر است (همان: ص ۵۷۹).

موارد یاد شده نشان می‌دهد شاخص‌بندی کارگزاران و نظارت بر دوام آن، یک راهبرد مهم مدیریتی در رفتار امامان(ع) است. این استراتژی اثرگذار منحصر در مقطع حکومت امام(ع) نیست، مانند زمانی که امام علی(ع) و یا امام حسن(ع) حکومت کردند، بلکه در زمانی که ایشان صرفاً یک جایگاه دینی بدون حکومت ظاهری هم داشته‌اند، مورد توجه ایشان بوده است. چنین نگرشی، اهمیت جایگاه شاخص‌بندی کارگزاران را در میان امامان شیعه(ع) به روشنی بیان می‌دارد و آن را نه صرفاً در حد شناسایی یک تخلف، بلکه گاه در بسیاری مواقع در حمایت از کارگزاران خدوم و دلسوز نیز به عنوان یک راهبرد ثابت در رفتار ائمه(ع) نمایان می‌سازد.

## ۵. شاخص‌های کارگزاران

### ۱-۵. عدالت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های لازم در کارگزاران ائمه(ع)، وجود ملکه عدالت و وثاقت است. امیرمومنان(ع) عدالت را شرط کارگزاری بیان می‌دارد و فقدان چنین صفتی را در کارگزار موجب ظلم برمی‌شمارد که خشم و

غضب خداوند را موجب می‌شود. امام علی (ع) به مالک چنین می‌نویسد: «با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود، که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی، ستم روا داشته‌ای، و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد، خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود، و آن را که خدا دشمن شود، دلیلش را نپذیرد، که با خدا سر جنگ دارد» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۴۲۷).

نکته‌ای که ذکر آن لازم است، تلازم وثاقت و عدالت در متون روایی در خصوص کارگزاران ائمه (ع) است. هرچند وثاقت در لغت به معنای اعتماد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۵۳) و عدالت به معنای ضد ستم و فساد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۱، ص ۲۳۰) آمده است، اما همان‌گونه که بسیاری نیز بر این عقیده هستند، این دو واژه در متن روایات با یکدیگر تلازم دارند. به این معنا که هرگاه در یک روایت یکی از کارگزاران توثیق شده، صرفاً به معنای اعتماد مالی نیست و چیزی فراتر از آن می‌باشد که نیاز به ملکه عدالت هم دارد.

شیخ حرّ عاملی این قول را در کتاب خود نقل کرده است که برخی معتقدند صرف وکالت نه تنها وثاقت را به همراه دارد، بلکه بالاتر از آن یعنی عدالت را هم ملازم است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۳۰، ص ۲۸۹)، زیرا اعتماد مطلق امور دینی به کارگزاران در موارد متعددی همچون افتاء، امانت‌داری اموال شرعی، قضاوت، تحدیث بوده و این‌ها به جز وجود ملکه عدالت در فرد حاصل نمی‌شود. وحید بهبهانی در خصوص لزوم توثیق و عدالت کارگزاران ائمه (ع) می‌گوید: «... تردید و شبهه‌ای نیست که ائمه (ع) افراد فاسد العقیده را به وکالت بر نمی‌گزیدند... روایاتی که در مذمت و نکوهش وکلای منحرف و فاسد المرام صادر شده‌اند، حاکی از آن هستند که وکالت، ملازم با حُسن عقیده و وثاقت و جلالت است...» (مامقانی، ۱۳۸۹ق: ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۱). از این رو نمی‌توان افرادی را در نهایت وثاقت و اعتماد به جامعه معرفی نمود و ملکه عدالت را نادیده گرفت.

از بررسی روایات و سیره ائمه (ع) چنین استفاده می‌شود که وثاقت کارگزاران از عوامل مهم گزینش ایشان است. البته تا زمانی که کارگزاران این ویژگی را دارا بودند، مورد تأیید امامان شیعه قرار می‌گرفتند و به محض زایل شدن این صفت مانند ابی حمزه بطنانی از اعتبار ساقط شده و از حلقه کارگزاران خارج می‌شدند (طوسی، ۱۴۰۹ق: ص ۴۹۳). این امر نشان می‌دهد که شاخص وثاقت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو پیشوایان دین، به شیعیان رجوع به افراد ثقه را توصیه می‌کرده‌اند. به عنوان نمونه امام هادی (ع) در پاسخ به پرسش «احمد بن اسحاق قمی» درباره رجوع به فردی در زمان عدم دسترسی به ایشان، ضمن



معرفی عمری فرمود: «العمری ثقتی فما ادی الیک فعنی یؤدی، و ما قال لک فعنی یقول، فاسمع له و اطع فانه الثقة المأمون...» و هنگامی که همین سؤال را از امام عسکری(ع) می‌پرسد، در پاسخ چنین می‌شنود: «... العمری و ابنه ثقتان، فما ادیا الیک فعنی یؤدیان و ما قالاک لک فعنی یقولان، فاسمع لهما و اطعهما فانهما الثقتان المأمونان...» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۲۱۸).

## ۵-۲. رازداری

رازداری از ویژگی‌های ممدوح است که در قرآن به آن اشاره شده است. در آیه پنج سوره یوسف، افشای راز موجب عدم تحقق رویا بیان شده است. «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا». براساس این آیه کشف سرّ و فقدان رازداری موجب مکر و حسد دیگران و اختلال در امور می‌شود. ممکن است افراد با کشف راز حسادت‌شان برانگیخته شده و منافع خود را بر مصالح عمومی ترجیح داده و به روند رشد جامعه اختلال وارد کنند. این ویژگی هرچند در قرآن کریم به صورت عمومی تأکید شده، اما در چارچوب اداره یک سازمان منظم و منسجم از صفات لازم یک کارگزار است، زیرا کتمان سرّ در پیشبرد اهداف سازمان بسیار موثر است و منافع عمومی جامعه را در بر دارد.

امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر به لزوم رازداری تأکید کرده و می‌فرماید: «مبادا آنچه را بر تو پنهان است، آشکار گردانی» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۴۲۷). ایشان در سخنی دیگر، موفقیت را در رازداری دانسته و می‌فرماید: «أَنْجَحَ الْأُمُورِ مَا أَحَاطَ بِهِ الْكِتْمَانُ» (آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۲۱۱). در مقابل، اگر افشاء سرّ شود، سقوط حتمی خواهد بود. در همین ارتباط امام صادق(ع) فرمود: «إِفْشَاءُ السِّرِّ سُقُوطٌ» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳: ص ۳۱۵).

صفت رازداری، در زمانی که ائمه(ع) در حکومت حکام جائر، جامعه شیعه را هدایت می‌کردند، از حساسیت بسزائی برخوردار بود. ویژگی‌های حکومت‌داری امویان و عباسیان و دشمنی آشکار آنها با امامان شیعه ایجاب می‌کرد تا کارگزاران ائمه(ع) بسیار محتاطانه و حتی مخفیانه فعالیت کنند و مأموریت خود را کاملاً مخفی و به دور از چشم حاکمان نگاه دارند تا جائی که امام حسن عسگری(ع) دستور به رازداری می‌دهد و می‌فرماید: «وَأَمْرُكَ أَنْ تَصُونَ دِينَكَ وَ عِلْمَنَا الَّذِي أَوْدَعْنَاكَ وَ أَسْرَارَنَا الَّتِي حَمَلْنَاكَ» (طوسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۲۳۸). از این رو رعایت جوانب حفاظت اطلاعات و رازداری یکی از ویژگی‌های مهم کارگزاران بود.

اهمیت و لزوم این ویژگی در برخی از گزارش‌ها به صراحت بیان شده است. حفظ راز و رعایت جوانب حفاظتی در کتمان اسرار توسط یکی از کارگزاران به نام «محمد بن شرف» از آن جمله است (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۳۸۵). شیخ طوسی درباره «نصر بن قابوس لخمی» نقل کرده که «وی بیست سال بی آن که کسی مطلع شود، وکیل امام صادق (ع) بود» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۴۷). بازتاب تأکید امامان بر رازداری در رفتار اصحاب ائمه (ع) نیز بروز یافته است. ابوسهل نوبختی از متکلمان بزرگ شیعه در عصر غیبت در پاسخ به این سوال که چرا تو به جای حسین بن روح نایب سوم امام زمان (ع) نشدی؟ اشاره به رازداری و کتمان سرّ در حسین بن روح می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۹۱). رعایت چنین نکات مهمی سبب خدمت ماندگار و طولانی مدت برخی از کارگزاران به امام (ع) می‌شد.

خطرات و مشکلات ناشی از افشای اسرار و عدم حفاظت گفتار، علاوه بر مخاطره قرار دادن جان امام (ع)، صدمات زیادی به جامعه شیعه وارد کرد. اختلاف و درگیری شدید «فارس بن حاتم قزوینی» با یکی دیگر از کارگزاران امام هادی (ع) به نام «علی بن جعفر همانی»، مشکلات زیادی را در جامعه شیعیان ایجاد نمود که اگر راهبرد رازداری و نهران کاری کارگزاران و البته درایت «عثمان بن سعید»، که با اعزام برخی از افراد مورد اعتماد و کنترل دامنه اختلاف و تعیین تکلیف طرفین نبود، لطمات جبران‌ناپذیری به دستگاه اداره جامعه شیعه وارد می‌شد (کشی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۲۶).

در حیات امام حسن عسگری (ع) و به موازات فشار سنگین خفقان دستگاه حکومت عباسی، بر حفاظت و کتمان اسرار و اطلاعات شیعه تأکید بیشتری شد و ارتباط کارگزاران با امام (ع) با رعایت احتیاط بیشتری صورت گرفت و امام (ع) نیز بر این مسأله به خاطر مخاطراتی که بر جان کارگزاران داشت، همواره تأکید داشتند تا جایی که برخی با پوشش‌هایی از قبیل روغن‌فروشی، وجوهات شرعی و نامه‌های شیعیان را به امام (ع) رسانده و دستورات را أخذ و به محل مأموریت خویش بازمی‌گشتند (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۲۱۴).

از مطالعه روایات درباره رازداری کارگزاران چنین استفاده می‌شود که در زمان حکومت علی (ع) این شاخص به شکل عمومی به کارگزاران توصیه شده، اما در زمان سایر ائمه (ع)، خصوصاً در عصر حاکمیت اموی‌ها و عباسی‌ها تأکید بیشتری یافته است. هرچند شاخص رازداری در ازمینه مختلف شدت و نوسان و موارد خاص آن تفاوت داشته، اما در مجموع می‌توان از رازداری به عنوان یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی کارگزاران از سوی ائمه (ع) نام برد.

## ۳-۵. آگاهی دینی

شناخت و درک احکام و عقائد دینی از شاخص‌های مهم ارزیابی کارگزاران از منظر ائمه(ع) است، زیرا موجب انجام بهتر امور در سایه بصیرت و فهم خواهد بود. ائمه هدی(ع) چه در زمانی که مانند امام علی(ع) و امام حسن(ع) در رأس یک حکومت بودند و چه در مقطعی که جامعه شیعی را با کارگزاران و وکلای خویش مدیریت می‌نمودند، اداره جامعه را از کارگزاران خویش انتظار داشتند و ارتباط با مردم نیز نیازمند بصیرت و فهم دینی است تا بتواند حقوق مردم و نیز هدایت و ارشاد آنها را به شکل مطلوب ایشان انجام دهند.

شیخ حرّ عاملی از فقهای بزرگ شیعه در کتاب خود بابتی تحت عنوان «وجوب الرجوع فی القضاء و الفتوی» اختصاص داده است و روایاتی را ذکر می‌کند که در آن ائمه(ع) مردم را به کارگزاران و نمایندگانشان ارجاع می‌دادند که همه آنها فقیه و عالم در دین بودند. علی بن مسیب همدانی می‌گوید: به حضرت رضا(ع) عرض کردم: من در ناحیه‌ای دور دست زندگی می‌کنم و در هر زمانی دسترسی به شما ندارم، پس، از چه کسی برنامه‌های دینی‌ام را فرابگیرم؟ حضرت فرمودند: «از زکریّا بن آدم قمی که امین و محلّ اعتماد بر امر دین و دنیا است» (کشی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۹۵).

عبدالعزیز بن المهتدی می‌گوید: از امام رضا(ع) پرسیدم: «در هر زمانی ملاقات با شما برایم میسر نیست، پس، معالم دینم را از چه کسی فرابگیرم؟ حضرت فرمود: «از یونس بن عبدالرحمن بیاموز» (همان: ص ۱۴۸) و گاهی بعضی از اصحاب خود را امر می‌کردند که برای مردم فتوی بدهند. چنانچه در حدیث است که امام باقر(ع) به ابان فرمود: «إِجْلِسْ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَأَقْتِ النَّاسَ فَاتِي أُحِبُّ أَنْ يُرَى فِي شِيعَتِي مِثْلُكَ» (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۱۰).

کارگزاری در دستگاه مدیریتی امامان شیعه، منحصر به مدیریت امور شیعیان نبوده است، بلکه ایشان به عنوان نمایندگان ائمه(ع) در امور شرعی نیز بوده‌اند که شیعیان مشکلات دینی و پرسش‌های معرفتی و احکام خود را از کارگزاران می‌پرسیدند و در گزارشی امام(ع) کارگزاران خود را به عنوان کسانی که معالم دین را می‌دانند، به شیعیان معرفی می‌کند. از جمله این گزارش‌ها که شیخ مفید نقل کرده، به این شرح است که: «علی بن مسیب به امام رضا(ع) عرض کرد: محل زندگی من از شما بسیار دور است و امکان دسترسی به شما همیشه برای من فراهم نیست، مسائل دینی خود را از چه کسی جويا شوم؟ فرمود: «از زکریّا بن آدم قمی که مورد اعتماد دین و دنیا است» (مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۸۷).

کارگزاران ائمه (ع) از درجات آگاهی و فهم دینی زیادی برخوردار بودند، به گونه‌ای که هر یک در منطقه خود مرجع پرسش‌های دینی مردم بوده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به احمد بن اسحاق قمی (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ص ۵۰۳)، زکریا بن آدم (طوسی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۹۵)، مفضل بن عمر (همان: ص ۳۲۸)، عثمان بن سعید عمری (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۴۷۷) و دیگران اشاره نمود. از سوی دیگر، تلاش کارگزاران برای افزایش فهم و آگاهی خود در قالب پرسش‌های دینی، دلیل مهم دیگری برای افزایش شاخص دینی می‌باشد. این افراد هرگاه که به نزد امام (ع) می‌رسیدند و یا در نامه‌هایی که نزد ایشان ارسال می‌کردند، همواره با طرح پرسش‌های خود تلاش مجددانه‌ای برای افزایش آگاهی دینی خود می‌نمودند. چنین شناخت عمیقی از معارف دین در مقاطعی که جامعه شیعی در امر امامت دچار تردید و دو دلی می‌شدند، به مدد شیعیان می‌آمد و امام را به جامعه شیعی معرفی می‌کردند که از آن جمله می‌توان به محمد بن فرج (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۳۲۴) اشاره نمود.

#### ۵-۴. اطاعت‌پذیری

مقصود از اطاعت‌پذیری، پذیرش اوامر حاکم اسلامی، پایبندی به قوانینی است که مطابق با شریعت و اصلاح و مقررات اجتماعی می‌باشد. امام حسین (ع) در نامه‌ای به سران بصره، اطاعت را راه هدایت برمی‌شمارد و می‌نویسد: «إِنَّ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ» (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۷۸).

براساس روایات و گزارشات تاریخی، کارگزاران ائمه (ع) اطاعت‌پذیری محضی از ایشان داشتند و نسبت به دستورات معصومین (ع) متعبد بودند. صرف‌نظر از ریشه این فرمان‌پذیری و اطاعت، رفتار کارگزاران مورد رضایت امامان بوده است. با این حال مواردی گزارش شده است که تعدادی از کارگزاران از دستورات امام (ع) تمرد کرده‌اند که واکنش امام (ع) نسبت به این افراد برخوردی قاطع و صریح بوده است و بلافاصله توسط امام مؤاخذه شده و اگر اصرار بر رفتار متمردهانه داشتند، از دایره کارگزاران اخراج می‌شدند.

در نامه امام هادی (ع) که به «علی بن بلال» می‌نگارد، بر اطاعت‌پذیری تأکید دارد. امام (ع) می‌فرماید: «فعلیک بالطاعة له» (کشّی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۱۳) و در نامه دیگری به کارگزار شیعیان همدان می‌نویسد: «أمرتهم بطاعتك و المصير إلی أمرک» (همان: ص ۶۱۲). موارد مشابه دیگر هم در نامه‌های امام (ع) هست که بر اطاعت از فرامین در سیستم مدیریتی و تشکیلات تأکید دارد. از جمله در نامه‌ای به ایوب بن نوح

می‌فرماید: «... و أن يلزم كل واحد منكم ما وكل به و أمر بالقيام فيه بأمر ناحيته فانكم اذا انتهيتم الى كل ما أمرتم به استغنيتم بذلك عن معاودتي...» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۱۴).

اهمیت اطاعت‌پذیری نزد امامان به گونه‌ای است که در نامه‌هایی که ائمه(ع) به برخی از کارگزاران می‌نگاشتند، شاخص «اطاعت‌پذیری و فرمانبری» برخی از کارگزارانی که رحلت کرده بودند را از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان برمی‌شمردند. از جمله امام جواد(ع) پس از رحلت «محمد بن سنان» فرمود: «رضی الله عنه برضائی عنه فما خالفنی و ما خالف أبی قطّ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۴۸) و درباره زکریا بن آدم نیز فرمود: «... فقد عاش ایام حیاته عارفاً بالحق قانلاً به صابراً محتسباً للحق قائماً بما یجب لله و لرسوله علیه و مضی رحمة الله غیر ناکث و لا مبدل...» (همان: ص ۲۱۱). تعبیر فوق نشان از مراتب بالای اطاعت‌پذیری و تسلیم در برابر اوامر امام(ع) توسط کارگزاران است.

اگر کارگزاری شاخص اطاعت را از دست می‌داد، بلافاصله از حلقه کارگزاران خارج می‌شد. البته در میان کارگزاران ائمه(ع) افرادی بودند که شاخص اطاعت‌پذیری را تا مقطعی داشتند، ولی پس از مدتی متأثر از هوای نفس از دستور امامان(ع) تمرد کرده و دیگر اطاعت‌پذیر نشدند. از جمله این افراد علی بن ابی حمزه بطنانی است که دستور امام(ع) را سرپیچی نمود و امام(ع) نیز او را از میان کارگزاران خویش خارج نمود (طوسی، ۱۴۰۹ق: ص ۴۹۳). پس می‌توان گفت اطاعت‌پذیری و فرمانبری کارگزاران از ویژگی‌های بارزی است که در ارزیابی کارگزار مورد توجه امامان در حوزه‌های مدیریتی بوده و به صراحت خواهان تقویت چنین ویژگی‌ای در کارگزاران بوده‌اند.

## ۵-۵. نظم و دقت

رعایت اصول نظم و دقت در انجام فعالیت‌ها از ویژگی‌های مهم کارگزاران ائمه(ع) است و ایشان از نمایندگان خویش انتظار داشتند، زیرا انجام امور و اداره جامعه شیعیان و مدیریت حوادث و توطئه دشمنان، بدون داشتن انتظام امور، غیر ممکن است. صرف‌نظر از اصل پسندیده نظم و انتظار برخورداری از نظم در هر مسلمانی، شرایط پیچیده امنیتی، دشمنی حاکمان جور، فضای اختناق و فشار بی‌اندازه بر شیعیان و نهایتاً اتخاذ تقیّه، این شاخص مهم را در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌داد.

از ویژگی‌های نظم، انجام کارها در حیطه شرح وظایف و امور محول شده به هر کارگزار است. هر کدام از کارگزاران ائمه(ع) مکلف بودند به مأموریت ویژه خود توجه کرده و از دخالت بی‌مورد در امور دیگر

کارگزاران خودداری کنند، اگر چنین امری صورت می‌گرفت از سوی ائمه(ع) مואخذه شده و کارگزار را متوجه حوزه مأموریت خود می‌نمودند. دخالت در قلمرو مأموریت دو کارگزار با یکدیگر موجب نگرارش نامه توسط امام هادی(ع) گردید که کارگزاری در کوفه به نام «ایوب بن نوح» و کارگزار دیگر در بغداد دچار بی‌نظمی شده بودند و امور محوله دچار نابسامانی‌هایی شده بود. متعاقب آن ارتباط مردم با کارگزاران و نمایندگان امام(ع) دچار اختلال شده و هماهنگی و انسجام در انجام مأموریت‌ها سردرگمی زیادی را ایجاد کرده بود. این مسأله در شرایط اختناق، ممکن بود شبکه کارگزاران امام(ع) را در خطر اندازد. از این‌رو امام(ع) در نامه‌ای چنین فرمود: «من تو را، ای ایوب بن نوح، به پرهیز از ارتباط زیاد با ابوعلی امر می‌کنم؛ و امر می‌کنم که هر یک از شما ملتزم به آن چیزی باشید که موکل و مأمور بدان شده‌اید که در ناحیه خود آن را انجام دهید...» (کشی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۱۴). این توقیع، با صراحت، وجود نظامی حساب شده و دقیق در کار سازمان زیر نظر امام(ع) را گواهی می‌دهد.

در سرزمین پهناور اسلامی و پراکندگی مناطق شیعیان، وجود نظم و هماهنگی در انجام امور بیش از پیش ضروری می‌نمود. بدون تردید بدون نظم و تدبیر امور نمی‌شد جامعه پراکنده، اما گسترده شیعه را مدیریت کرد، اما تأکید بر شاخص نظم و اداره منسجم امور توسط ائمه(ع) سبب ایجاد گردش کاری منظم در تشکیلات وکالت شد. حتی برخی از محققین معاصر بر این نظم خصوصاً در عصر امام هادی(ع) تأکید دارند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۴۷). اداره منظم امور، مبتنی بر ساختار اداری منسجم استوار بود تا ارتباط شیعیان با امام(ع) را در آن شرایط خطرآفرین سامان داده و تا حد ممکن جان آنها را حفظ کند. بر این اساس همه ملزم بودند تا نظم سازمانی را رعایت کنند و حتی رفتار شخص امام(ع) نیز بر همین مسأله تأکید دارد.

در گزارشی نقل شده که امام کاظم(ع) وجوه شیعیان را تحویل نمی‌گرفت و ایشان را به یکی از اصحاب خود به نام مفضل ارجاع می‌داد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۴۷). امام حسن عسگری(ع) در نامه‌ای به «اسحاق بن اسماعیل نیشابوری»، «ابراهیم بن عبده» را به کارگزاری در ناحیه نیشابور معرفی می‌کند. او نیز مأمور بود تا وجوهات شیعیان را به «رازی» که کارگزار دیگری بود، تحویل دهد. «رازی» که ساکن ری بود، خود نظارت بر عملکرد کارگزاران را در مناطق شرقی بر عهده داشت، با این همه «رازی» نیز می‌بایست گزارش عملکرد خود را به کارگزار عراق به نام «عمری» تحویل دهد (کشی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۷۹). موارد فوق نشان می‌دهد که تمام کارگزاران ائمه(ع) باید شاخص نظم را دارا باشند، زیرا بدون نظم، اداره امور

محواله دچار اختلال می‌شود. اگر چنانچه کارگزاری امور خود را مقید به نظم و دقت نکرده بود، بلافاصله مورد مواخذه قرار می‌گرفته است.

## ۶. نتیجه‌گیری

شاخص‌های کارگزاران و نظارت بر آن از مواردی است که در سیره امامان شیعه جایگاه مهمی دارد. کارگزاران باید ویژگی‌های خاصی می‌داشتند و نصب یک کارگزار تابع ثروت، موقعیت و یا نژاد نبوده است و حتی در صورت خطای کارگزار از اصول و موازین معین شده، بدون مماشات و ملاحظه‌ای برخورد می‌کرده‌اند. بررسی مهم‌ترین شاخص‌های مورد توجه ائمه(ع) درباره کارگزاران در پژوهش حاضر نشان داد که کارگزاران امامان شیعه می‌بایست شاخص‌های خاص مد نظر ائمه(ع) را می‌داشتند، مانند: شاخص عدالت‌ورزی و وثاقت کارگزار، یعنی برخورد انصاف‌گونه و توأم با عدالت با مردم، شاخص رازداری، شاخص آگاهی دینی که موجب انجام بهتر کارها در سایه بصیرت و فهم خواهد بود، شاخص اطاعت‌پذیری که در حقیقت پابندی به قوانینی است که مطابق با شریعت و صلاح و مقررات اجتماعی است. شاخص دیگر، شاخص دقت و نظم است که از ویژگی‌های لازم جهت پذیرش مسئولیت عظیم و مهم نمایندگان و کارگزاران ائمه(ع) می‌باشد. بررسی رفتار سیاسی امامان شیعه نشان می‌دهد که نصب کارگزاران براساس شایستگی و حائز بودن شاخص‌هایی بوده که عموماً از ویژگی‌های انسان‌های صالح است. در غیر این صورت در جرگه کارگزاران قرار نمی‌گرفتند. بنابراین، انتصاب کارگزار از نگاه ائمه(ع) براساس لیاقت و شایستگی است و انتساب به یک قوم خاص، ثروت، قدرت اجتماعی، نسبت فامیلی و... تأثیری بر انتصاب کارگزاران نداشته است.

## منابع

## قرآن کریم.

- نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف رضی؛ مصحح صبحی صالح. قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ق.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و درر الکلم. مصحح مهدی رجائی. قم: دارالکتب الاسلامی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول، مصحح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. مصحح جمال الدین میردامادی. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ج ۱۱.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفه الأئمه. مصحح هاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی، ج ۲.
- بلاذری، احمد (۱۴۱۷ق). انساب الاشراف. تحقیق، سهیل زکار، ریاض زرکلی. بیروت: نشر دارالفکر، ج ۲.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت، ج ۳۰.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- دلشاد تهرانی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۵). مبانی و اصول عزل و نصب کارگزاران با رویکرد اندیشه سیاسی امام علی (ع) در دلشاد تهرانی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۵). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. مصحح صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالقلم الدار الشامیه.
- رحمانی پاکدل، زهرا (۱۳۹۴). اصول اخلاقی مدیریت با تکیه بر گفتار امام علی (ع) در نهج البلاغه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.
- رحمانی، محمد (۱۳۷۹). ملاک های گزینش کارگزاران در حکومت علوی. حکومت اسلامی، شماره ۱۸.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مصحح محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی، ج ۱.
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه. قم: دراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه.
- طوسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مصحح محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی، ج ۱.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). اختیار معرفه الرجال (رجال کشی). مشهد: دانشگاه مشهد.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). الغیبه للحجه. مصحح عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
- عسگری نیا، ابوالفضل؛ لطفی جم، منا (۱۳۹۰). روش تحقیق در مدیریت. تهران: نشر فرانما.
- عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۸۹). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: مؤسسه دارالهجره، ج ۲.
- کلبینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. مصحح علی اکبر غفاری. تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ج ۵، ۱.



کشی، ابو عمرو و محمد بن عمر بن عبدالعزیز (۱۴۰۹ق). رجال کشی. به تصحیح حسن مصطفوی. مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد.

- مامقانی، عبدالله (۱۳۸۹ق). تنقیح المقال فی علم الرجال. قم: موسسه آل البيت(ع)، ج ۱.  
 مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۶). مکتب در فرایند تکامل. ترجمه هاشم ایزدپناه. تهران: انتشارات کویر.  
 مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق/الف). الإختصاص. قم: مؤسسه آل البيت(ع).  
 مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق/ب). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.  
 نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال نجاشی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین.